

نگاه بیرون

نگرانی از پیوند هند-افغانستان-ایران

The Nation

نوشته:تعیم خالد لوحی*

ترجمه: شهرام زرنادر

● ما برای مدت‌ها با مشکلات و رنجی مواجه بوده‌ایم که از س‌وی هندی‌ها و افغان‌ها به ما رسیده است؛ اما هرگز برای چاره‌جویی برای این مشکل به یک پیوند سه‌جانبه فکر نکرده‌ایم. ما معمولاً به‌خاطر دلایل متعدد و از طریق وسایل متنوع دچار مشکلات دوجانبه بوده‌ایم. ما همچنین در برخی موارد روابطی ناراحت‌کننده با همسایه خود ایران داشته‌ایم. در طول این مدت فعالیت‌های گروه‌های حمایت‌شده ایرانیان علیه عناصر حمایت‌شده سعودی‌ها ادامه داشته و این امر در درازمدت باعث ایجاد در‌سرهایی برای ما شده؛ اما به‌تازگی برخی از وقایع خاص و ویژه عمیقاً کل سناریو را تغییر داده است. کشته‌شدن ملامنصور قریضیه‌ها مربوط به وجود پیوندهایی میان هند- افغان- ایران را تقویت کرده است. اکنون اجازه دهید کمی دور‌تر برویم. با نگاهی روشنگراییانه به روابط طولانی‌مدت ما با عربستان سعودی و برخی از کشورهای دیگر خاورمیانه روشن می‌شود که هندی‌ها بلافاصله از این روابط برای حرکت و تلاش برای ساختن جایگاهی مستحکم و ویژه برای خود استفاده کرده‌اند. ما در وضعیت درهم‌پیچیده سوریه برخوردی سرد داشته و اعلام بی‌طرفی کرده‌ایم؛ موضعی که باعث رنجش آمریکا و عربستان شده است؛ اما در شرایطی که متحد ما، چین، از اردوی روس- ایرانی، در این بحران دفاع می‌کند، نمی‌توانستیم طرف یک جریان را بگیریم. از س‌وی دیگر ایران به طریز رقابتی کاری را شروع کرده که هند بلافاصله برای حمایت تمام‌قد از آن به‌خط شده است؛ توسعه بندر چابهار و خطوط ریلی مرتبط با آن. هم‌اکنون ظهور بلوک قدرتمندی در همسایگی پاکستان و ضعف دیپلماتیک در جاهای دیگر باعث بروز پیامدهای شومی برای پاکستان شده است. این وضعیت بر برنامه ما برای ادغام اقتصادی منطقه‌ای و آرزوهای ما برای برقراری صلح داخلی و هواخواهی ما از داشتن مرزهای آرام اثر خواهد گذاشت. این وضعیت همچنین می‌تواند منجر به درگیری‌های کوچک و روبرایی‌های نظامی شود. بیشتر این امور وابسته به برنامه‌های پاکستان- چین و درک متقابل قوی میان این دو است. فکرکردن درباره انتخاب‌های پاکستان درباره پیوندهای فزاینده این کشورها، محیط منطقه‌ای و تنظیم روابط بین‌المللی مهم و متناسب است. اجازه دهید من با امکانات ساده‌تر و در مقام مقایسه شروع کنم و بعد به امکانات مشکل‌تر برسم. ما نمی‌توانیم خود را برای مدت‌های مدید بیگانه و جدا از دوستان انکارکردنی و قدیمی خودمان تصویر کنیم. برای تلاش درباره جریان خسارات باید یک نیروی ویژه دیپلماتیک فرموله شود. همچنین باید از دیپلماسی نظامی برای ادامه کار و رسیدن به فهم متقابل بی‌آنکه چینی‌ها و روس‌ها را با حملات مکرر عصبانی کنیم، استفاده کنیم و قادر به پاسخ‌گویی باشیم.

ما باید از چینی‌ها بخواهیم تا قراردادهای مربوطه به همکاری‌های همه‌جانبه را امضا و اعلام کنند و به طور آشکار بیان کنند که دو کشور به سوی یک ائتلاف راهبردی و نظامی به پیش می‌روند و خواهان کمک به یکدیگر در دیال‌کردن منافع مشترک و دفاع از یکدیگر در مقابل هر تهاجمی هستند. روسیه تحت ریاست‌جمهوری قوی پوتین در مراحل اولیه اعمال نفوذ خود است. روشن‌بینی آنها درباره روابطشان با هند و گسترش روابطشان با ایران به خاطر رویکرد مشترکشان درباره بسیاری از مسائل جهانی باید در تلاش‌های دیپلماتیک ما به‌طریز مؤثر لحاظ شود. ما باید به یاد داشته باشیم که آنها تجربیات زیادی در امور افغانستان و بلوچستان دارند. اما درباره ایران- ایران با تاریخی شکوهمند و عبور موفق از بحران‌های بعد از انقلاب، با اعتمادبه‌نفس در افکار حاضر در جامعه جهانی است. آنها در طول مدت بحران هسته‌ای اخیر دقت سیاسی و دیپلماتیک خود را به نمایش گذاشته‌اند و اکنون ایران در مقام ایفای نقش سیاسی و اقتصادی فعال در امور جهانی است. آنها تمایل سیاسی خود برای همکاری با بلوک روسیه و چین را به‌روشنی نشان داده‌اند، این آنکه دیگر متافع اقتصادی‌شان در جاهای دیگر سازش کنند. وقایع اخیر نشان‌دهنده پیوندهای محکم آنها با هند و افغانستان است؛ اما نگاه و تحلیل‌های اخیر سفیرشان درباره شورای اقتصادی بندر چابهار و هم‌بسنگی‌شان با چین به پاکستان فرصتی می‌دهد تا ایران را به سوی جدایی از پیوندهای موجود بین ایران- هند و افغانستان سوق دهد. پاکستان این هدف را با استفاده از دیپلماسی برتر و بازی با کارت‌هایی که در دست دارد، تعقیب می‌کند. این مسئله باید در اولویت ما باشد؛ زیرا این همسایه نباید بیش‌ازاین جدا از دیگران به حساب آید؛ در غیراین‌صورت ایزوله‌بودن و محصوربودن ما کامل و سخت خواهد بود. کمک چینی‌ها باید برای ایجاد توافقی‌های دوستانه با ایران به کار گرفته شود. ما می‌توانیم منافع ایران را در شورای اقتصادی بندر چابهار تأمین کنیم و پیشنهاد تبدیل چابهار و گوادر را به یک مجتمع بزرگ بپذیریم. احتمال دارد چینی‌ها از این حرکت استقبال کنند.

***ژنرال بازنشسته پاکستانی**

آرزو فرسید: پایان جنگ جهانی دوم با آغاز یک همزیستی خصمانه در اردوگاه فاتحان همیار بود. دو ابرقدرت آمریکا و شوروی دو بلوک سیاسی- نظامی شرق و غرب را پدید آوردند و عواقب ناشی از این بلوک‌بندی برخی از کشورهای عمده تا‌ه‌استقلال‌یافته را به فکر غیرمتعه‌دبودن انداخت. عدم‌تعهد یا عدم‌وابستگی، به سیاست رهبران کشورهای آسیایی و آفریقایی که صرف‌نظر از نظام‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت، هدف و آرمان مشترکی را دنبال می‌کردند، بدل شد. با تلاش رهبرانی چون جواهر لعل نهرو در هند، احمد سوکارنو در اندونزی، جمال عبدالناصر در مصر و مارشال تیتو در یوگسلاوی، جنبش عدم‌تعهد در سال

۱۹۶۱ (۱۳۴۰) شکل گرفت. نخستین تلاش برای ایجاد هم‌گرایی میان آنها در آوریل سال ۱۹۵۵ در کنفرانس باندونگ صورت گرفت و نگرانی عمیق خود را از تشنج بین‌المللی و خطر جنگ اتمی اعلام کردند. در بیانیه کنفرانس باندونگ، از ملت‌ها خواست شد که در صلح زندگی کنند و به‌عنوان همسایگان خوب به توسعه همکاری‌های دوستانه بر پایه اصولی از جمله احترام به حقوق اساسی و انسانی و احترام به هدف‌ها و اصول منشور سازمان ملل متحد، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه ملت‌ها، به‌رسمیت‌شناختن برابری همه نژادها و برابری همه ملت‌ها صرف‌نظر از کوچکی و بزرگی آنها، خودداری از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، احترام به حق ملت‌ها در دفاع فردی یا جمعی، منطق یا منشور سازمان ملل متحد و خودداری از به‌کارگیری نیروهای دفاعی جمعی به منظور خدمت به یک قدرت بزرگ بپردازند. این کشورها خودداری از اعمال فشار به هر کشوری از سوی کشور دیگر را مورد تأکید قرار داده و در آن بیانیه از خودداری از تجاوز یا تهدید به تجاوز با استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور، حل‌وفصل همه اختلافات بین‌المللی از طریق صلح‌آمیز از قبیل مذاکره، اجماع، داوری یا حل‌وفصل حقوقی، ارتقای منافع متقابل و همکاری‌های دوطرفه و احترام به عدالت و تعهدات بین‌المللی به‌عنوان دیگر اصول خود یاد کردند. بعد از این کنفرانس (۱۹۶۱)، با حمایت فیدل کاسترو و مارشال تئوتوگرناس دیگری در یوگسلاوی برگزار شد و این سازمان با ۵۳ عضو از آفریقا، ۳۸ عضو از آسیا، ۲۶ عضو از آمریکای لاتین و یک عضو از اروپا (بلاروس) اعلام موجودیت کرد. سیاست اصلی آنها پیروی از همزیستی مسالمت‌آمیز، پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش و عدم‌پیوستگی به هیچ‌یک از پیمان‌های نظامی در چارچوب اختلافات قدرت‌های بزرگ بود.

نهادی بدون دبیرخانه واسانامه

آنها دبیرستان اسانامه و دبیرخانه داخلی را در دستور کار قرار ندادند چراکه بنیان‌گذاران این جنبش و جانشینان بعدی آنها بر این باور بودند که با توجه به تنوع جغرافیایی و ایدئولوژیکی کشورهای عضو، در صورت ایجاد ساختارهای رسمی همچون اسانامه و دبیرخانه داخلی، احتمالاً این جنبش از هم فرومی‌پاشد زیرا یک سازمان فاراملی متشکل از کشورهایایی ایدئولوژی‌ها و اهداف مختلف هرگز قادر به ایجاد ساختاری اداری و منطقی برای اجرای سیاست‌هایی که مورد توافق کشورهای عضو باشد، نخواهد بود. ازهمین‌رو نیز نوع منحصربه‌فردی از ساختار اداری را تشکیل دادند که بر اساس آن همه کشورهای عضو فارغ از اندازه و اهمیت خود را بر فرصت برخوردارین تا در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های جهانی نقش ایفا کنند.

در این چارچوب، اجلاس سران، مناسبتی است که این جنبش در بالاترین سطح تشکیل جلسه می‌دهد و کشور میزبان ریاست جنبش و مسئولیت‌های مربوطه را بر عهده می‌گیرد. به‌این‌ترتیب ساختار اداری جنبش نیز در مدت ریاست کشور میزبان به این کشور سپرده می‌شود که این وظیفه نیز معمولاً برعهده وزارت خارجه آن کشور قرار می‌گیرد.

ایران در نخستین اجلاس غیرمتعهدها در بلگرد حاضر نبود چراکه ما آن زمان به پیمان نظامی بغداد پیوسته بودیم اما بعد از انقلاب اسلامی و همسودشن سیاسی‌ها با انقلابیون در ایران و رویکرد عدم‌وابستگی غیرمتعهدها، به عضویت این جنبش درآمدیم. سه‌ماه پس از تصویب عضویت ایران در اجلاس وزیران در خردادماه ۱۳۵۸، ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت خروج از پیمان ستو را نیز رسماً اعلام کرد. این مهم‌ترین سازمان بین‌المللی است که بعد از انقلاب اسلامی به عضویت آن درآمده‌ایم و متأسفانه نگاهی به این سال‌ها نشان می‌دهد که تاکنون از این حضور بهره قابل‌توجهی نبرده‌ایم.

این جنبش بارها اقدامات جامعه‌ جهانی علیه ایران همچون حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در تیرماه سال ۶۷ را محکوم کرده و در مواردی مثل قطع‌نامه ۵۹۸ از مواضع ایران حمایت کرده اما بیش از این چیزی نصیب ما نشده است. مصداق این مدعا آن است که عراق در سالگرد پیوستن ایران به این جنبش، جنگ هشت‌ساله را کلید زد. رئیس‌جمهور وقت ایران در نامه‌ای خطاب به سران کشورهای غیرمتعهد خواستار موضع‌گیری آنها در مقابل تجاوز عراق شده بود اما نتیجه جلسات آن میزبانی بغداد برای اجلاس بعدی بود. به‌همین‌خاطر نیز ایران همه توان خود را از جمله ملاقات‌های مکرر با اعضا و بمباران بغداد، به کار گرفت تا اجلاس مذکور به هند منتقل شود.

دیپلماسی



نگاهی به وزن سیاسی و کارآمدی جنبش عدم‌تعهد در سالگرد عضویت ایران

جنبش صدور بیانیه

وزن سیاسی عدم‌تعهد

ناگفته نماند که این جنبش بعد از جنگ نیز تلاش‌هایی برای حمایت از ایران در پرونده هسته‌ای داشت. اینها باعث می‌شود که ضمن توجه به عضویت ۱۲۰ کشور در این جنبش - فراگیرترین شکل سیاسی جهان بعد از سازمان ملل - به کیفیت و کارآمدی آن نیز توجه داشته و با نگاهی واقع‌بینانه از آن انتظار داشته باشیم. نمی‌توان نادیده گرفت که کشورهای عضو نم اگرچه ۶۰ درصد اعضای جامعه ملل را تشکیل می‌دهند، تنها یک‌هفتم اقتصاد جهان را در اختیار دارند و بخش عمده‌ای از این یک‌هفتم نیز مربوط به منابع زیرزمینی مانند نفت و معادن طبیعی

محمدعلی بصیری در گفت‌وگو با «شرق»:

حداکثر نفع عدم تعهد تربیون است

به نظام سیاسی موجود، با امکانات مالی، لابی و بلوک‌بندی‌های خود، عدم تعهد را با شکست مواجه می‌کنند.

■ در این شرایط به نظر شما عضویت ایران در «جنبش نم» چه فایده‌ای دارد؟ موضع‌گیری‌های این جنبش تاکنون چقدر در صحنه بین‌الملل در راستای سیاست‌های ایران یاری‌دهنده بوده است؟

ایران بعد از انقلاب یک دهه با سازمان‌های بین‌المللی روابط سرد داشت یا آنها را نفی می‌کرد. اعتقاد این بود که سازمان‌های بین‌المللی عمدتاً ساخته و پرداخته دولت‌های سلطه‌گر و عوامل وابسته به آنها هستند بنابراین حضور قابل‌توجهی در این سازمان‌ها نداشتیم. پس از جنگ نیز با این استدلال که حضورنداشتن در این سازمان‌ها برای ایران نفعی ندارد، به این نتیجه رسیدیم که حداقل نفع حضور در این سازمان‌ها آن است که در جامعه جهانی ازجمله نهادهای بین‌المللی دیدگاه‌های خود را مطرح و از تریبون آنها برای بسج و آگاه‌سازی افکار عمومی در جهان استفاده کنیم. این استدلال درباره سه دهه حضور در عدم تعهد نیز صدق می‌کند و حداکثر نفعی که این عضویت برای ما داشته است، استفاده از تریبون این سازمان است. به‌رحال در مواردی که فشار بر ایران زیاد شده و قدرت‌های بین‌المللی و متحدانشان بر ایران فشارها اعمال کرده‌اند، این عضویت برای ما داشته است، استفاده از تریبون این سازمان است. به‌رحال در مواردی که فشار بر ایران زیاد شده و قدرت‌های بین‌المللی و متحدانشان افکار عمومی را در دنیا علیه ایران بسیج می‌کنند،

جنگ سرد تا حدودی در این مسیر حرکت کرد اما به دلیل اینکه غالب کشورهای عضو که ادعای عدم تعهد داشتند، به شرق و غرب وابسته بودند، کارآمدی لازم را از خود نشان نداد. با فروپاشی شوروی، سران عدم تعهد یک دهه با بحران مواجه و گاه خواستار انحلال جنبش نیز شدند. به‌رحال نهایتاً به این جمع‌بندی رسیدند که اگرچه دنیا دیگر بین شرق و غرب تقسیم نشده است، شاهد تقسیم‌بندی شمال و جنوب هستیم بنابراین غیرمتعهدها که عمدتاً کشورهای جنوب هستند، تلاش کردند در برابر سلطه شمال و زیاده‌خواهی‌های آن، به شیوه سابق ادامه دهند و با همان هژمونی در برابر جی ۸ (هشت کشور بزرگ صنعتی) غیرمتعهد باقی بمانند.

■ همان‌طور که گفتید، برخی از کشورهای غیرمتعهد از همان‌زمان هم وابستگی‌هایی داشته‌اند. این مسئله هنوز هم باقی است و می‌بینیم که عربستان به غرب و کره‌شمالی به روسیه و چین وابستگی‌هایی دارند. با این اوضاع، ادامه فعالیت در چارچوب جنبش عدم تعهد هنوز هم موضوعیت دارد؟

غالب سازمان‌های جنوب یا جهان‌سوم سابق عمدتاً برای دستیابی به اهداف و اصول خود با شکست یا ضعف‌های اساسی مواجه بوده‌اند؛ مانند کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، اکو. عدم تعهد نیز جزء همین سازمان‌های جهان‌سومی سابق است و با مسائلی ازجمله ضعف‌های ساختاری، عملکردی و تشتت و چندقسگی بین اعضا، عدم جدیت در اجرای تصمیمات و مواضع شفاف روبه‌رو است. حتی می‌توان گفت غیرمتعهدها امروز در نظم جدید جهانی با ضعف و تشتت بیش از دوره جنگ سرد مواجه هستند و از سردرگمی بین اعضا رنج می‌برند. یکی از اصلی‌ترین مسائل این گروه آن است که برخی از اعضای وابسته

کارشناس مسائل خاورمیانه، در گفت‌وگو با «شرق» درباره وزن سیاسی این جنبش، به تحقیق‌نیافتن هدف اولیه این جنبش از همان سال‌های اول اشاره کرد و گفت: «جنبش عدم تعهد بر اساس نیازی که در آن دوران پس از جنگ سرد و در آن شرایط احساس می‌شد، با قدرت شکل گرفت و کشورهای تازه استقلال‌یافته را از تکیه بر آمریکا و شوروی سابق منع کرد و توانست جایگاه و وزن خاصی در تعدیل سیاست‌های دو ابرقدرت آن زمان داشته باشد اما هدف این جنبش چندان عملیاتی نشد و بعد از مدتی آمریکایی‌ها و غربی‌ها که خیلی مایل نیستند قدرت‌های منطقه‌ای در سیاست‌های جهان اثرگذار باشند، سعی کردند جایگاه این جنبش را تضعیف کنند. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز در حقیقت این جنبش بیش از گذشته تضعیف شد.» او درباره کارآمدی نم در دنیای امروز نیز گفت: «امروزه اغلب کشورهای عضو عدم تعهد سیاست‌های خود را بر اساس اراده آمریکا تعریف می‌کنند و به همین دلیل با وجود اینکه حدود ۱۲۰ کشور عضو این جنبش هستند اما نتوانسته‌هویت و جایگاه واقعی خود را در سیاست‌های بین‌المللی داشته باشد و از حقوق کشورهای عضو دفاع کند.»

ساختار غیرمتجانس و نامکمن

محسن جلیلودن، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل بین‌الملل، نیز در گفت‌وگو با «شرق» تقریباً همین نظر را درباره وزن سیاسی جنبش عدم تعهد داشت و گفت: «جنبش عدم تعهد ساختار غیرمتجانس و نامهمگنی دارد. تا زمانی که جنگ سرد بود، می‌شد گفت که تعریفی از این‌ جنبش وجود دارد اما بعد از آن اصولاً غیرمتعه‌دبودن بی‌معنا بود. به طور مثال در زمان جنگ سرد، کوبا هم جزء جنبش غیرمتعهدها و درعین‌حال یکی از اقمار اتحاد جماهیر شوروی بود. اکنون که نه شرقی وجود دارد و نه غربی، نیز همین‌طور است.»

به گفته او ما اکنون در ساختار جهانی‌شدن هستیم و به این ترتیب معنای تعهدها تغییر کرده است و غیرمتعه‌دبودن معنایی ندارد. به همین خاطر می‌توان گفت این جنبش فقط جمعی است که گروهی از کشورها چندروزی کنار هم جلسه می‌گذارند و بعد هم تمام می‌شود. با وجود تعداد بسیار اعضا، تأثیرگذاری عمده‌ای نیز در عرصه بین‌المللی ندارند.

به گفته او ما اکنون در ساختار جهانی‌شدن هستیم و به این ترتیب معنای تعهدها تغییر کرده است و غیرمتعه‌دبودن معنایی ندارد. «این جنبش جنبه اجرایی ندارد و نمی‌تواند تغییری در شطرنج سیاسی و نظامی جهان ایجاد کند بنابراین بیشتر جنبه اعتباری دارد و در حقیقت نمی‌تواند سیاست‌های آمریکا را تغییر دهد. با این حال به نظر می‌رسد که ریاست دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌های این کشور جمهوری اسلامی ایران بر این جنبش تأثیرات است تا حدی بر عملکرد و سیاست‌های عدم تعهد اثرگذار باشد اما از آنجایی که آمریکا و غرب نمی‌خواهند این‌گونه جنبش‌ها در عرصه‌های سیاسی فعال باشند، این جنبش را تضعیف کرده‌اند و اغلب کشورهای عضو آن، در حقیقت وابسته به غرب و آمریکا هستند. کشورهای عضو نیز اراده لازم را برای اینکه بتوانند در برابر زیاده‌خواهی آمریکا ایستادگی کنند ندارند و اکنون می‌بینیم که اغلب آنها مثل عربستان، کویت، امارات و ... به این حال به نظر می‌رسد که سیاست‌